

رویکرد آموزش و یادگیری همه‌ساحتی

(راهکار اجرایی شدن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در مقیاس کلاس درس ابتدایی)

کامیار قهرمانی فرد

دکترای مدیریت آموزشی، معاون آموزش ابتدایی

آموزش و پرورش آذربایجان شرقی



با توجه به دغدغه‌ی بالای اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، با اولویت‌بخشی گفتمان‌سازی التزام به اجرای عملی سند تحول بنیادین و پیگیری تحقق تربیت همه‌ساحتی در مقیاس مدرسه و کلاس درس، در مدرسه‌های ابتدایی استان آذربایجان شرقی، بر آن شدم مثالی از فرآیندهای (سناریوی) آموزش تمام‌ساحتی حول موضوع درسی «آب» ذکر کنم. مختصات آموزش و یادگیری همه‌ساحتی مفاهیم و موضوعات درسی، مختصری از الگوی شیوه‌ی آموزش و یادگیری تمام‌ساحتی درس‌ها و محتوای مواد درسی‌ای که آموزگاران حرفه‌ای تمام‌ساحتی ارائه می‌کنند، موضوعاتی هستند که در این گفتار به آن‌ها می‌پردازیم.

بدون تردید نقطه‌ی ثقل اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اجرای عملی سند، در رده‌ی عملیاتی کلاس درس و مدرسه، برای تحقق تربیت همه‌ساحتی مبتنی بر ساحت‌های شش‌گانه‌ی تربیتی است. ساحت‌هایی که برگرفته از مبانی نظری سند آن هم از دوره‌ی پیش از دبستان و دبستان و در قالب‌های شناختی، نگرشی و مهارتی دانش‌آموزان، از سنین پایه، و از طریق آموزش و یادگیری همه‌ساحتی است. این

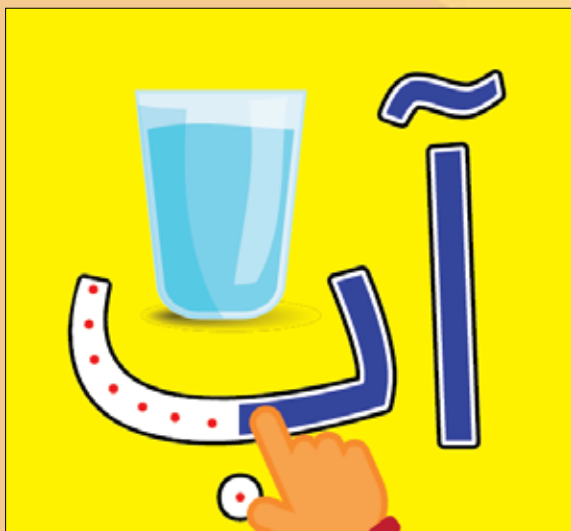
رویکرد خود در مقابل رویکردهای سنتی، خطی و سطحی صرفاً آموزشی و حافظه‌محور، نه رویکردهای تربیتی مهارت‌محور، قرار دارد.

باید اذعان کرد که اجرایی شدن سند تحول بنیادین در مقیاس مدرسه و کلاس درس با درج‌زدن در کارهای نظری در سطح کلان ستادی و تدوین زیرنظام‌ها، زیرساخت‌ها، بسته‌های تحولی، سیاست‌ها و برنامه‌ها و همچنین برگزاری همایش‌ها، سمینارها و دوره‌های آموزشی صرف محقق نمی‌شود؛ بلکه این آموزگاران حرفه‌ای تمام‌ساحتی هستند که می‌توانند مختصات و مؤلفه‌های چنین رویکردی را برگرفته از سند، با اصول و شرایط حاکم بر آن و از طریق روش‌هایی هنرمندانه در مقیاس کلاس درس و در تعامل با دانش‌آموزان عملی کنند.

در این راستا، در یادداشت حاضر به تبیین چگونگی رویکرد آموزش و یادگیری همه‌ساحتی در کلاس‌های درس دوره‌ی ابتدایی می‌پردازم که با اندکی تأمل و بازاندیشی، از پیش از دبستان تا دبیرستان، هم قابلیت اجرا دارد. همچنین به مختصات و اصول و شرایط آن رویکرد، همراه با تکه‌هایی از انطباق و پیوند تلفیقی ساحت‌ها، در فرآیندهای (سناریوی) تدریس نیز اشاره می‌کنم.

مختصات رویکرد آموزش و یادگیری همه‌ساحتی

۱. در این رویکرد، تسلط آموزگار و کاربست و عمل آموزشی و تربیتی‌اش، مبتنی بر پارادایم نوین تربیتی، با مشخصه‌های عینی‌بودن، نوآورانه‌بودن، فعال‌بودن، اثربخش‌بودن، بازی‌واربودن و فراگیرمحوربودن ضروری است. این مشخصه‌ها برگرفته از رویکردهای سازنده‌گرایانه، تلفیقی، بین‌رشته‌ای، زمینه‌ای، فراشناختی و... هستند. به عبارت دیگر، آموزگار در ورود به کلاس درس، از همان ابتدا، نباید به سراغ کتاب درسی و آموزش مستقیم همه‌ی محتوای موضوع، اعم از نشانه‌ها/ کلمه‌ی «آب» در درس فارسی، برود و همچون روش‌های سنتی، اصرار به حفظ و تکرار آن از سوی دانش‌آموزان داشته





باشد؛ بلکه نخست، باید با جریان‌سازی تربیتی همه‌ساحتی، ایجاد چالش‌های کلاسی و ارائه‌ی پیش‌سازمان‌دهنده‌ها موضوع را به‌صورت غیرمستقیم و مجهول‌وار بیان کند. طرح موضوع نیز باید با زبان و رفتار کودکانه و با استفاده از بخش فیلم، تصویر، بازی، نمایش، قصه و سایر ابزارها و محتوای جذاب پیش رود تا دانش‌آموزان ضمن برانگیختگی و مواجهه با ابهامات و چالش‌ها و سؤال‌های فردی و گروهی و پس از کنکاش و تکاپو به‌نوعی درگیر روش اکتشاف گروهی، گفت‌وگوی جمعی، بارش افکار و... شوند. آن‌ها باید خودشان با تلاش خویشتن پی به مفهوم «آب» ببرند، به واژه و مفهوم موردنظر توجه کنند و آن را در خاطر بسپارند. بدین ترتیب هر کدام با بازنمایی درونی و تفسیر شخصی در ذهن خود تعریف و توصیف تجربی خود از آب را داشته باشند و دانش آن را در خزانه‌ی یادگیری تثبیت کنند.

۲. لازمه‌ی تربیت تمام‌ساحتی، در این رویکرد، پیوند دادن همه‌ی فعالیت‌های کلاسی معلم و دانش‌آموزان به موضوعاتی کاربردی و واقعی حول مفهوم یا مفاهیم موردنظر است. این پیوند از قبل، حین و بعد از ورود آموزگار و در قبل و حین و پس از تدریس تا جمع‌بندی و خروجش از کلاس را شامل می‌شود. این پیوند همچنین باید به‌صورت انگیزشی و با تکیه بر دانش، نگرش، توانش، کنش حرفه‌ای و به‌کارگیری و تعمیم سوادهای کاربردی و انواع روش‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای معلمی همچون زبان کودکانه، بازی، قصه، هنر و... صورت بگیرد. استفاده از محتواها و ابزارهای آموزشی و چندرسانه‌ای همچون فیلم، عکس، صدا و... نیز در این زمینه یاری‌رسان است. استفاده از این ابزارها علاوه بر سنجش و جهت‌دهی رفتارهای ورودی و انعکاس پیش‌سازمان‌دهنده در طرح‌واره‌های ذهنی فراگیران، به‌نوعی در فضای گروهی دانش‌آموزان انگیزه‌بخش است و باعث آمادگی برای یادگیری و جذب عمیق موضوع نیز خواهد شد. البته به تناسب موضوع و محتوا و مواد درسی، این موارد نیز مفید خواهند بود: استفاده از مناسبت‌های تقویم و رویدادهای محیطی و رسانه‌ای، استفاده از تاریخ تولد هر کدام از بچه‌ها، پیوند دادن موضوع درسی به وقایع تربیتی روزانه و محیطی، معرفی موقعیتی جدید و بیان یک قصه و داستان.

بار دیگر تأکید می‌کنم که موضوع پیوند دادن ساحت‌ها و تلفیق باید در تمام فعالیت‌های آموزشی و تربیتی در محیط و

موقعیت‌های یاددهی و یادگیری باشد؛ یعنی این پیوند، چنانچه گفته شد، قبل و حین و بعد از ورود آموزگار به کلاس، قبل و حین و پس از تدریس، طراحی آموزشی و تدریس، تعیین اهداف، ایجاد انگیزه و آمادگی، آموزش و تدریس، تعیین و به‌کارگیری ابزارها و رسانه‌ها، تعریف موقعیت‌ها، انجام فرایندها، تعیین تکالیف، ارزشیابی و پایان کلاس را باید در بر بگیرد، نه صرفاً در مرحله‌ی طراحی آموزشی و تعیین اهداف باشد یا فقط در مرحله‌ی آموزش و تدریس از روی طرح‌درس مدنظر قرار بگیرد و بقیه‌ی زمان و فعالیت کلاس از رویکرد تک‌ساحتی پیروی کند.

۳. در رویکرد آموزش و یادگیری تمام‌ساحتی لازم است پیوندهای تمام‌ساحتی موضوعات و محتوای درسی بر اساس این موارد ایجاد شود و توسعه یابد:

- الف) اهداف آموزشی موضوع و به تناسب اهداف ساحتی دوره‌ی تحصیلی ابتدایی (مصوب شورای عالی آموزش و پرورش)؛
- ب) حوزه‌های تربیت و یادگیری سند برنامه‌ی درسی ملی؛
- ج) پیشینه و زمینه‌ی موضوع؛
- د) اهمیت، کارکردها، آثار و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، سیاسی و رسانه‌ای موضوع؛
- ه) کاربرد در زندگی واقعی روزانه.

این توسعه باید در راستای تعمیق و جامعیت‌بخشی به اکتشاف و درک عمیق رخ دهد. همچنین باید شروع به ساختن دانش و کسب نگرش و تلبور رفتاری کند که در نتیجه‌ی آموزش تمام‌ساحتی در کلاس درس و یادگیری عمیق و معنادار برای دانش‌آموزان ایجاد می‌شود.

۴. از دیگر مختصات این رویکرد، گام تکمیلی است که منجر به تحقق تربیت تمام‌ساحتی می‌شود. این گام همانا پیوندهای فراساحتی است که به‌منظور پرورش و کسب مهارت‌های زندگی، مهارت‌های زبانی، مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی و شهروندی ایجاد می‌شود. از این رهگذر دانش‌آموزان به این موارد نیز دست می‌یابند:

- الف) سوادهای چندگانه‌ی کاربردی.
- ب) توانایی حل مسئله با هدف کاربرد آموخته‌های مدرسه‌ای در عمل و قابلیت حل مسائل همه‌جانبه‌ی زندگی واقعی.
- ج) داشتن انگیزه و روحیه‌ی کنش‌گری در زندگی فردی و اجتماعی.

در چنین حالتی می‌توان ادعای تحقق نسبی یادگیری تمام‌ساحتی دانش‌آموزان را داشت. لازم است آموزگار به تعریف موقعیت یادگیری فراکلاسی / فرامدرسه‌ای مشابه با شرایط و وقایع و محیط زندگی واقعی دانش‌آموزان اقدام کند. همچنین تکالیفی را از نوع کاربردی و مهارت‌محور تعیین کند و ضمن ارزشیابی میزان آموخته‌ها و کسب مهارت‌ها به رصد وضعیت تحقق تربیت تمام‌ساحتی با اجرای دقیق و صحیح ارزشیابی کیفی و توصیفی و با توجه به تفاوت‌های فردی و جامعیت یادگیری تمام‌ساحتی بپردازد.

ادامه‌ی این مطلب را در شماره‌های آینده مطالعه کنید.